

نگاهی به شکل‌گیری و توسعه شهر آق‌قلا

از مبارک آباد تا آق‌قلا



احمد خواجه‌نژاد *

آق‌قلا شهری است در ۱۸ کیلومتری شمال گرگان، این شهر در ۵۴ و ۲۷ طول و ۳۷ و ۵ عرض جغرافیایی^۱، در دو سوی گرگان‌رود و در جلگه‌ای هموار واقع شده و مرکز شهرستان آق‌قلا می‌باشد.

محدوده‌ی این شهر از گذشته تاکنون اسامی اسپه‌دژ، مبارک‌آباد، آق‌قلعه، پهلوی‌دژ و آق‌قلا داشته است.

با حضور جمعی از قبایل صاین‌خانی (از اتباع والی خوارزم) در صحرا و دشت استرآباد و مسکن‌گزیدن آن‌ها در بین رود اترک و گرگان‌رود، درگیری آنان با ساکنان استرآباد آغاز شد و این درگیری‌ها به صورت مداوم وجود داشت. چنان‌که منابع مختلف تاریخی به این درگیری‌ها - به ویژه در اوایل صفویه - اشاره کرده‌اند، از جمله‌ی این منابع می‌توان به حبیب‌السیر^۲، عالم‌آرای عباسی^۳، عالم‌آرای شاه اسماعیل^۴، تاریخ منتظم ناصری^۵، روضه‌الصفاء^۶ و ... اشاره کرد.

این جنگ و ستیز برای فرونشاندن این طغیان‌ها سال‌ها ادامه یافت. در زمان شاه طهماسب این درگیری با قبایلی که به سلاطین خوارزم وابسته بودند هم‌چنین با سپاه‌پوشان استرآباد به سرکردگی محمدصالح پسر^۷ و یا برادرزاده^۸ خواجه مظفر بتکچی^۹ و «آبا»ی ترکمن که در سال ۹۵۷ طغیان کرده و تا زمان کشته شدنش به دست همسرش (نوه خواجه مظفر بتکچی)، در سال ۹۷۳، ادامه داشت^{۱۰} و شاه طهماسب صفوی را بر آن داشت تا برای دفع این حملات قلعه‌ی «مبارک‌آباد» را در کنار گرگان‌رود بسازد. او پس از ساخت این قلعه دستور

* کارشناس ارشد

تاریخ

داد حکام استرآباد به این قلعه نقل مکان کرده و در آنجا اقامت کنند و به حراست از این دیار بپردازند.^{۱۱} آق‌قلعه از زمان ساخت تا آخر دوران قاجاریه به عنوان یک پادگان نظامی محسوب می‌شد و اکثر مواقع قشون دولتی و فوج‌های نظامی در آن مستقر بودند. بعد از مرگ شاه طهماسب و وقوع جنگ‌های مختلف و اختلافات داخلی در ایران، استرآباد دچار ضعف حکمرانی شده، علیاریک ایمر تا مبارک‌آباد آمد و قلعه را ویران کرد.^{۱۲} شاه عباس پس از فتح خراسان در سال ۱۰۰۷ قمری به استرآباد آمد و برای سامان دادن به این دیار که مجدداً دچار طغیان سیاه‌پوشان استرآباد و ترکمن‌ها شده بود دستور داد قلعه‌ی مبارک‌آباد را بازسازی کنند.^{۱۳}

او ارکان چهارگانه‌ی قلعه را به لشکریان و مردم سپرد. رکن غربی به خان علیشان و غلامان او، رکن شمالی به ذوالفقارخان و حسین‌خان قاجار، رکن جنوبی به وزراء و مردم و رکن شرقی به قورچیان واگذار گردید.^{۱۴} و قلعه طی ۱۰۷، ۱۲، ۱۶ یا ۱۴ روز بازسازی شد. مؤلف تاریخ عباسی ابعاد قلعه را از سمت شرق و غرب ۱۰۰۰ گز و از سمت شمال و جنوب ۱۲۰۰ گز نوشته است.^{۱۵} شاه عباس دستور داد بر روی رودخانه‌ی گرگان که در ضلع شمالی قلعه واقع بود، پلی چوبی ساختند. و اطراف قلعه نیز خندقی عمیق حفر شد.^{۱۶} او پس از اتمام کار بازسازی، سرداران سیاه‌پوش را خواست و ضمن عفو آنان، دستور داد تمام سلاح‌شان را تحویل داده و خود نیز به همراه اهل و عیال‌شان در قلعه‌ی مبارک‌آباد ساکن و به کار زراعت مشغول شوند و به حکم حاکم استرآباد گردن نهند.^{۱۷}

وقتی شاه عباس صفوی ایل قاجار را از گنجه کوچ داد بعضی از آن‌ها را در قلعه‌ی مبارک‌آباد ساکن کرد.^{۱۸} آنان در این قلعه مستقر شدند. آق‌قلعه در کنار گنجه، مرو شاهجان و ایروان به عنوان یکی از قلاع مهم ساخته شده توسط صفویه که قاجار در آن سکونت داده شدند محسوب می‌شد.^{۱۹}

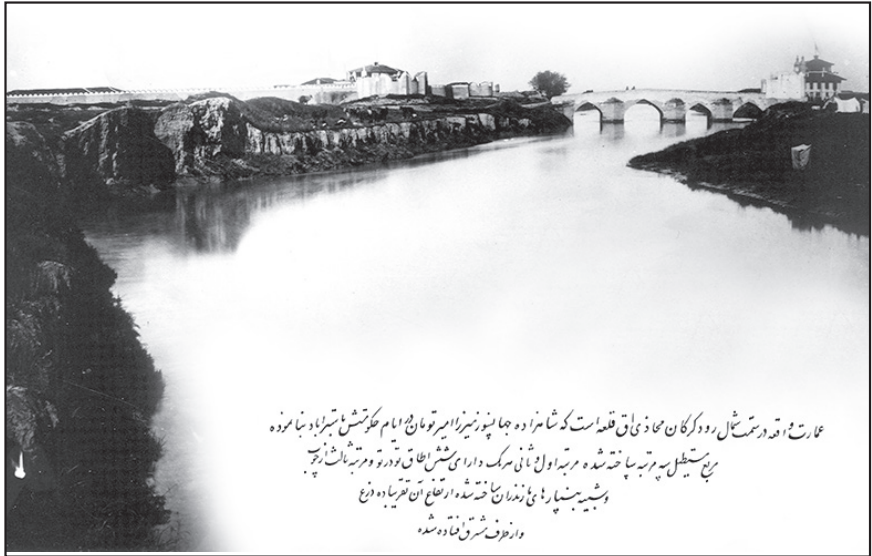
آن دسته که در بخش بالایی قلعه ساکن بودند «یخاری باش» و آن دسته که در پایین قلعه بودند، «اشاق باش» نام گرفتند. شاه عباس قصد داشت از طریق قاجار از تاخت و تاز ترکمنان جلوگیری کند. آنان نیز بعد از ورود به استرآباد پیوسته با ترکمنان در جنگ بودند و تا زمان فرمان‌گزاری فتحعلی‌خان با سلاطین صفویه مخالفتی نکردند.^{۲۰}

هرچند برخی منابع حضور قاجار در مبارک‌آباد را بین سال‌های ۱۰۳۵ تا ۱۰۴۰ ذکر کرده‌اند^{۲۱} اما بنا به نقل منابع نزدیک‌تر، قجرها در سال ۱۰۱۵ قمری در مبارک‌آباد حضور داشتند. چرا که مؤلف «فتوحات فریدونیه» که فتوحات فریدون‌خان چرکس امیرالامرای استرآباد و مازندران و بسطام را در سال ۱۰۲۲ مکتوب کرده است، به طغیان ترکمن‌ها در ماه رمضان سال ۱۰۱۵ اشاره دارد که پیرعلی‌بیک پرناک و جنگنجویان قاجار برای سرکوبی آنان، از قلعه‌ی مبارک‌آباد بیرون آمدند اما به جز محافظت از قلعه کار دیگری نتوانستند انجام دهند.^{۲۲} پس از حضور قجرها که تُرک‌زبان بودند، نام «مبارک‌آباد» به «آق‌قلعه» که برگردانِ ترکی

«اسپی دژ» است، تغییر کرد.

قاجار در این قلعه بودند تا آن‌که نزاع‌های داخلی و دودستگی باعث شد دیگر نتوانند در آن محل بمانند و در سال ۱۱۴۰ قمری هر دو دسته، دژ مبارک‌آباد را ترک کرده و به شهر استرآباد رفتند.^{۲۶}

مؤلف مرات‌البلدان از آباد بودن آق‌قلعه در زمان نادرشاه خبر می‌دهد و می‌گوید که در آن زمان قاجاریه در آن سکونت داشته‌اند.^{۲۷}



عبارت «آق‌قلعه» در کتاب رودگران مخدومی قلم است که شاهرده چامپوزنیرا میرزا توابع ایام کوشش استرآباد بنا نموده
 مربع مستطیل بر تپه بنا شده مربع اوله شانی مرکب دارای شش طاقی تودره و مربعی شانی
 و بیشتر بناهای نذران بنا شده ارتفاع آن تقریباً ده ذرع
 و از طرف شرق آماده شده

نمایی از پل آق‌قلا - عکس: از عبدالله میرزا قاجار (محمود اخوان مهدوی - آلبوم خانه استرآباد)

کنسول ابوت نیز در زمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۵) در گزارش خود به این قلعه اشاره می‌کند که با یک دیوار کاه‌گلی حصار شده بود و این تقریباً تنها چیزی بود که در آن زمان از آن باقی مانده بود. شکل قلعه مربع و در هر ضلع دوازده برج وجود داشت. او هر ضلع قلعه را حدوداً ۱۰۰۰ قدم نوشته، زمین داخل قلعه نیز فقط به صورت چند تپه‌ی گلی بوده و از وجود خرابه‌های بناهای گذشته در آن‌جا خبر می‌دهد.^{۲۸}

این قلعه در زمان قاجار هم به عنوان پادگان نظامی استفاده می‌شد و کرزن در گزارش خود در سال ۱۲۶۷ قمری عده‌ی نظامی ولایت استرآباد را ۳۸۰۰ نفر ذکر کرده که ۳۰۰ نفر آنان در آق‌قلعه مستقر بودند.^{۲۹}

بهرلر فرانسوی (۱۲۷۰) سرتیپ دربار ناصری وضع این قلعه را خراب گزارش کرده و افزوده است که در سابق شهری آباد و بزرگ و مسکن ایل قاجر بود و حصار و خندق نیز داشته است. ترکیب آن به شکل مربع و هریک از اضلاعش هزار زرع بود. کوچه‌های آن سنگ‌فرش و برابر ارک آن در رود گرگان پایه‌های پلی معلوم است که نشان می‌دهد پل بسیار خوبی در

آنجا بوده است.^{۳۰}

عزالدوله حدود سال ۱۲۷۵ قمری در سفرنامه‌ی خود به این قلعه اشاره کرده که توسط شاه عباس بازسازی شده است.^{۳۱}

میرزا ابراهیم نیز در گزارش سال ۱۲۷۵ خود از آق قلعه به عنوان یکی از شهرهای خراب استرآباد نام می‌برد.^{۳۲}

ملکونوف (۱۲۸۰) هم‌چنین این قلعه را یک قلعه‌ی ویران شده که فقط توده‌های متلاشی آن برجای مانده، ذکر می‌کند.^{۳۳}

این قلعه محل خدمت فوج‌هایی از سایر نقاط نیز بوده است. در سندی مربوط به سال ۱۲۸۳ ضمن اعلام بازدید شاهزاده ملک‌آرا از آق قلعه، گزارش خدمت فوج لاریجانی را منعکس کرده است.^{۳۴}

طغیان ترکمن‌ها در این ناحیه به بهانه‌های مختلف ادامه داشت و در سال ۱۲۸۴ نیز مراد نامی که در اصل افغانی بود در بین ترکمن‌ها ادعای پیغمبری کرد و لقب «ایشان» که از القاب پیشوایان و افراد مورد احترام بین ترکمن‌ها است به خود داده او با ترکمن‌ها به آق قلعه تاخت و جنگی بین وی و شاهزاده ملک‌آرا حاکم استرآباد در این ناحیه در گرفت^{۳۵} تا آن‌که با دخالت قوای حکومتی و کمکی و کشته شدن «ایشان» این غائله ختم شد.

مصطفی قلی‌خان، فرماندهی دژ آق قلعه در نبرد با «ایشان» پس از ورود به این قلعه وضعیت آن را تعجب‌آور ذکر کرده و آن‌چه که تا آن زمان ساخته‌اند را بی‌قاعد و بی‌مصرف می‌داند. و قرار گرفتن ارگ قدیم قلعه را که در آن زمان مخروبه بود، در جای معقول ذکر می‌کند و ساخته‌های جدید را ضایع کردن استحکام قبلی‌ها می‌داند و کاربرد آن را برای دشمن بیشتر از نیروهای خودی ارزیابی کرده است. هم‌چنین وی دیوارهای قلعه را اکثراً خراب گزارش نموده است. او از ساخت ۴ بارو در چهار گوشه‌ی قلعه توسط خود و نیروهایش خبر می‌دهد.^{۳۶}

در زمان ناصرالدین شاه، آق قلعه چندین بار مرمت شد. یک‌بار در سال ۱۲۸۶^{۳۷} که اعتمادالسلطنه نیز گزارش تعمیر آن را حسب‌الامر ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۶ داده است.^{۳۸} این مرمت در زمان حکمرانی سلیمان‌خان صاحب‌اختیار بود. او در گزارشات خود به فرخ‌خان امین‌الدوله از بیرون آوردن آجر از خرابه‌های قلعه و ساخت آن خبر داده^{۳۹} و هم‌چنین از حضور فوج سمنان، دامغان و تنکابن در این قلعه گزارش کرده است.^{۴۰}

تعمیر دیگر در سال ۱۲۹۵ اتفاق افتاد. بر اساس سندی معتمدالملک در این سال طی تلگرافی به میرزا حسین خان سپهسالار ضمن گزارش تعمیر بخشی از قلعه درخواست پرداخت باقی‌تنخواه در نظر گرفته شده برای این منظور را داشت تا تعمیرات آق قلعه کامل شود.^{۴۱}

در دوره ناصری نیز برخی از حکمرانان استرآباد در آق قلعه و نایب‌الحکومه در شهر استرآباد به انجام امور ولایتی مشغول بودند.^{۴۲}

جهانسوز میرزا که در سال ۱۲۹۳ به همراه قشون خود در آق قلعه و استرآباد بود^{۴۳} عمارتی را در ضلع شمالی گرگان‌رود، مقابل آق قلعه ساخت. تصویر این عمارت در سال ۱۳۰۷ توسط عبدالله میرزا قاجار برداشته شده است. او در ذیل تصویر عمارت جهانسوز میرزا آن را ۳ طبقه و ارتفاع آن را ده ذرع که از قسمت شرقی افتاده شده، معرفی کرده است.^{۴۴}

هم‌چنین عبدالله میرزا تصویری از آق قلعه نیز برداشته و در توضیحات این عکس آن را مربع‌مستطیل در طول گرگان‌رود و در جنوب این رودخانه بیان می‌کند. طول و عرض آن را دویست و بیست ذرع، در چهار گوش آن چهار برج آجری محکم و دو دروازه جنوبی و شمالی و دارای حمام، قورخانه و اطاق‌های تحتانی و فوقانی، جای سرباز. او هم‌چنین از تعمیرات کامل قلعه در سال ۱۳۰۴ خبر داده است.^{۴۵} اعتمادالسلطنه نیز از تعمیرات این قلعه در سال ۱۳۰۳، برای سکونت ایلات ترکمن گزارش کرده است.^{۴۶}

هم‌چنین برابر نقل روزنامه ایران در سال ۱۳۰۹ قلعه‌ی جدیدی در شمال گرگان‌رود و در محاذات قلعه‌ی قدیمی ساخته شد.^{۴۷}

اعتمادالسلطنه در خاطرات روز ۲۵ ذی‌القعدة سال ۱۳۱۱ خود از حضور نصرالسلطنه در خانه‌ی صدراعظم ناصرالدین شاه خبر می‌دهد تا او را واسطه بگیرد که شاه ۱۲ هزار تومان برات تعمیرات آق قلعه را به او بپردازد.^{۴۸}

در جمادی‌الاولی سال ۱۳۱۶ نیز از طرف دولت مأمورانی برای تعمیر آق قلعه اعزام شدند.^{۴۹} هرچند به صورت مداوم این قلعه تعمیر می‌شد. اما گویی درگیری در این ناحیه فراوان بوده چرا که در همین ایام گزارشاتی از خراب بودن وضعیت آق قلعه وجود دارد.

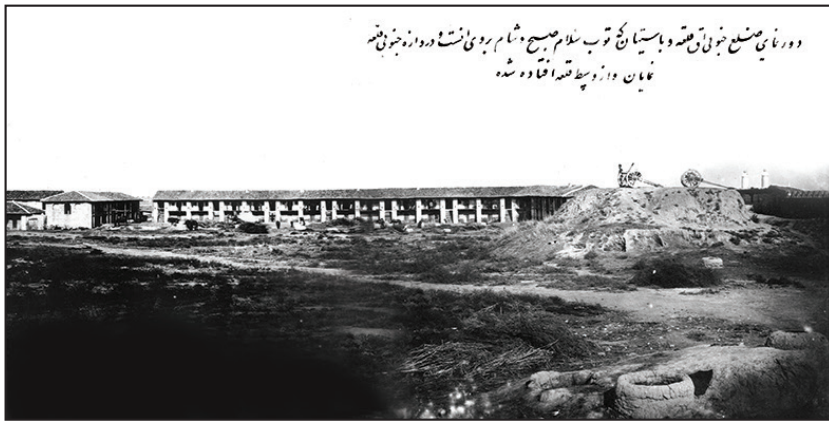
معصوم‌علیشاه در طرائق‌الحقایق آق قلعه را خرابه گزارش کرد که در آن یکی دو عرابه توپ و مشتی سرباز گرسنه چیزی دیگری نیست و آن را سزاوار تعمیر می‌دانند.^{۵۰}

محمدعلی قورخانچی در سال ۱۳۲۱ در نخبه‌سیفیه به مسئله تعمیر قلعه توسط شاه عباس و کوچ دادن ایل قاجار به این دژ اشاره کرده است. او تاریخ مرمت قلعه را سال ۱۰۲۰ نقل کرده است، اما با توجه به منابع قبلی ذکر شده که نزدیکتر به حادثه بودند، این تاریخ اشتباه است.^{۵۱} او بنای قلعه را در نقطه‌ای که از سه سمت با خاکریز احاطه شده قید می‌کند و آثار شهر و خندق و خاکریز را در آن مشاهده کرده است. به گفته وی دیوارهای قلعه از خشت و گل و چینه ساخته شده و از داخل قلعه کنار دیوارها مردرو و سر دیوارها دارای کنگره و روی آن آجر گذاشته شده است. در چهار گوشه قلعه چهار برج وجود داشت و درمیان هر برج یک عرابه توپ ایرانی پنهان شده بود. این قلعه در زمان بازدید او دارای حمام مخروبه و ۲ دروازه بوده است. وی فاصله رودخانه تا درب قلعه را ۲۵ قدم نوشته که در محاذی درب قلعه بر روی رودخانه پل آجری مرکب از چهار دهنه ساخته شده است و در انتهای پل دروازه محکمی است که وقتی دروازه بسته باشد راه رفت و آمد از آن طرف رودخانه به سمت شهر استرآباد بسته است. او هم‌چنین به عمارت جهانسوز میرزا اشاره می‌کند که به

علت عدم تعمیر، دو طبقه‌ی آن خراب شده است. و خود قلعه را نیز نیازمند مرمت می‌داند.^{۵۲} گزارش فورخانچی که با نام «نخبه کامرانی» نیز منتشر شده و گویی مربوط به سال ۱۳۲۷ می‌باشد، عمارت جهانسوز میرزا را کاملا تخریب شده گزارش داده که تمام مصالح آن توسط ترکمن‌ها از محل برده شده است.^{۵۳}

رایینو نیز در سفرنامه خود محل قلعه را مرکب از تپه‌های کوتاهی ذکر و از میان خرابه‌های آن عبور کرده است. او به نقل از اهل محل آورده که آق قلعه در زمان قابوس به اسپه دژ معروف بوده و برج‌های آن را متعلق به زمان ناصری و سربازان مأمور در این قلعه را در واقع زندانیانی در میان چهار دیوار قلعه می‌داند.^{۵۴}

در اوایل قرن ۱۴ قمری، با توافق روس و انگلیس بر سر منطقه‌ی نفوذشان در ایران، شمال



قلعه مبارک آباد، عکس: عبدالله میرزا قاجار (محمود اخوان مهدوی - آلبوم خانه استرآباد)

کشور از جمله آق قلعه اغلب زیر سیطره‌ی روس‌ها بود. برابر گزارش سال ۱۳۲۶ وکیل الدوله عده‌ای از ترکمن‌های آتابای اقدام به تخریب آق قلعه کردند و یک صاحب‌منصب روس برای بررسی موضوع و دریافت خسارت از گنبد به آق قلعه آمده است.^{۵۵} وی هم‌چنین در گزارش دیگری به تاریخ ششم ماه مارس ۱۹۱۱ (ربیع‌الاول ۱۳۲۹) از استقرار بیش از ۵۰۰ نفر از قوای روسی در آق قلعه خبر داده است.^{۵۶} حضور روس‌ها، درگیری‌هایی را نیز با ترکمن‌های ساکن در این منطقه ایجاد می‌کرد.^{۵۷} روس‌ها هم‌چنین با آجرهای باقی‌مانده از عمارت جهانسوز میرزا و بناهای داخل آق قلعه برای خود سربازخانه ساختند^{۵۸} و با دایر کردن کوره‌ی آجرپزی و هم‌چنین استفاده از چوب و تخته در این نقطه ساخت و ساز داشتند.^{۵۹} آق قلعه در زمان جنگ جهانی اول و حضور روس‌ها در منطقه نیز مورد تاخت و تاز آن‌ها و ترکمن‌ها قرار داشت و گزارشات متعدد به درگیری در اطراف این قلعه اشاره دارد.^{۶۰} تا زمان پهلوی اول ساکنین اطراف گرگان‌رود و شهر فعلی آق قلا در آبه‌های ترکمنی زندگی می‌کردند که سیار بوده و به راحتی امکان کوچ و جابه‌جایی را داشتند.

در زمان وزارت جنگی و صدر اعظمی رضا شاه به دستور وی با حضور نیروهای دولتی و سرکوب ترکمن‌ها، در این ناحیه اوضاع منطقه رو به آرامی رفت و پس از به سلطنت رسیدن رضا شاه با تشویق دولت، ساخت منازل دائمی در آق‌قلعه شروع شد و منازل ساخته شده از نی، گل، خشت و آجر، جای آب‌های ترکمن را گرفت و به سکونت‌گاه ثابت تبدیل شد.^{۶۱} در ۱۰ اسفند ماه سال ۱۳۰۴ سرتیپ بصیر دیوان (فضل... زاهدی) فرمانده تیپ مستقل شمال پیشنهاد تغییر نام آق‌قلعه به پهلوی‌دژ را به رضاشاه داد^{۶۲} و از این تاریخ به بعد از آق‌قلعه به نام پهلوی‌دژ نام برده شده است.

رضا شاه پهلوی نیز در سفرنامه‌ی خود در سال ۱۳۰۵ شمسی به استرآباد، پهلوی‌دژ را مرکز نظامی مهمی معرفی کرده است و از قشون مستقر در این منطقه بازدید کرد.^{۶۳} گزارش عباس شوقی سال ۱۳۱۴، از وجود نماینده‌ی مالیه و نایب‌الحکومه و هم‌چنین دبستان به عنوان مؤسسات دولتی در پهلوی‌دژ خبر می‌دهد.^{۶۴}

سرتیپ رزم‌آرا در سال ۱۳۲۰ پهلوی‌دژ را یکی از ده بخش شهرستان ۱۲، یعنی گرگان معرفی کرده است.^{۶۵} البته سکونت ترکمن‌ها در این ناحیه ابتدا در قسمت شمالی رودخانه بوده به گونه‌ایی که رزم‌آرا در این سال پهلوی‌دژ را در شمال گرگان‌رود و آق‌قلعه‌ی قدیم را در جنوب گرگان‌رود گزارش می‌کند.^{۶۶}

در سال‌های بعد از ۱۳۱۰ از طرف اداره‌ی املاک اختصاصی پهلوی تغییراتی در شکل خیابان‌ها و نصب موتور برای انتقال آب به داخل خیابان‌ها صورت گرفت و باغی بزرگ در این شهر احداث شد^{۶۷} که به «باغ فلاحت» مشهور بود. این باغ ۸ هکتار مساحت داشت و انواع درختان در آن کاشته شده بود. این باغ محل حضور منسوبین به حکومت بوده و شخص رضاشاه نیز در سفرهای خود به این منطقه، در آن‌جا سکونت می‌کرد.^{۶۸}

سکونت دائمی در آق‌قلعه روز به روز افزایش یافت تا آن‌که در سال ۱۳۳۲ با برگزاری انتخابات، انجمن شهر تشکیل و این انجمن در دومین جلسه‌ی خود، در تاریخ ۲۰ آبان ۱۳۳۲ احمد توکلی را به عنوان اولین شهردار این شهر انتخاب کرد^{۶۹} و با ابلاغ حکم وی توسط وزارت کشور در تاریخ ۲ دی‌ماه ۱۳۳۲، شهرداری آق‌قلا فعالیت خود را آغاز نمود.^{۷۰} این شهر برابر سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۳۵ شمسی ۱۴۰۵ نفر جمعیت داشت که ۷۳۹ نفر آنان مرد و ۶۶۶ نفر زن بوده‌اند.^{۷۱}

در گزارشی که مربوط به سال ۱۳۴۲ شمسی است، آمده که آثار آق‌قلعه در اطراف پهلوی‌دژ دیده می‌شود که یک کیلومتر در یک کیلومتر است و سکونت اهالی در دو طرف رودخانه بوده است.^{۷۲}

پهلوی‌دژ تا سال ۱۳۵۷ به همین نام به عنوان بخشی از شهرستان گرگان بوده و پس از پیروزی انقلاب نام آن به «آق‌قلا» تغییر یافت. چون کلمه‌ی «قلعه» در زبان ترکمنی به صورت «قلا» تلفظ می‌شود، به همین خاطر در تغییر نام اخیر «آق‌قلعه» به صورت «آق‌قلا» درآمد و از سال

۱۳۵۷ به این نام شهرت یافت.

این شهر تا سال ۱۳۷۹ شمسی به عنوان مرکز بخش آق‌قلا از شهرستان گرگان بود. در تاریخ ۳۱ فروردین ماه سال ۱۳۷۹ برابر مصوبه شماره ۳۱۶۴۹ت/۲۱۶۲۷هـ هیات دولت، با تأسیس شهرستان آق‌قلا، به عنوان مرکز این شهرستان ارتقاء یافت.^{۷۳}

از آثار تاریخی موجود در این شهر پل آق‌قلعه است. هرچند در منابع تاریخی، سال ساخت آن به صورت دقیق مشخص نیست اما برابر آنچه که قبلاً گفته شده، این پل حداقل تا زمان شاه عباس صفوی وجود نداشته و احتمالاً پس از وی و در زمان صفویه احداث شده است. این پل دارای تزئینات زیبا و استثنایی در پایه‌ها به صورت گره‌چینی مشبک و آجری است و به شماره ۹۱۹ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.^{۷۴}

ساکنان شهر آق‌قلا اکثریت قریب به اتفاق ترکمن هستند و در این شهر زبان محاوره‌ای مردم ترکمنی می‌باشد. اهالی این شهر مسلمان و اکثریت حنفی مذهب هستند. اولین مدرسه‌ی ابتدایی در آق‌قلا در سال ۱۳۰۹ شمسی به نام «بیژن» تأسیس شد و در ساختمان همین مدرسه در سال ۱۳۱۹ دبیرستان فلاحتی بیژن به عنوان اولین دبیرستان آق‌قلا راه‌اندازی گردید.^{۷۵}

۱. کمیته تخصصی نام‌نگاری و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی سازمان نقشه‌برداری کشور. قابل دسترسی از: <http://geonames.ncc.org.ir>

۲. حبیب‌السیر، ج ۳، صص ۱۹۹-۲۰۰

۳. اسکندریبک ترکمان. تاریخ عالم آرای عباسی. ج ۱. (سوم، ۱۳۸۲). تهران. امیرکبیر. ص ۱۰۶.

۴. عالم آرای شاه اسماعیل صص ۲۶۵-۲۶۸.

۵. اعتماد السلطنه، محمدحسن‌خان. تاریخ منتظم ناصری، ج ۲، مصحح محمداسماعیل رضوانی. (اول، ۱۳۶۷). تهران. دنیای کتاب. ص ۷۳۵.

۶. رضاقلی خان هدایت. تاریخ روضه‌الصفاء ناصری. ج ۸، تصحیح و تحشیه جمشید کیان‌فر. (اول، ۱۳۸۰) تهران. اساطیر. صص ۳۱۸-۳۱۹.

۷. حسن‌بیک روملو. احسن‌التواریخ (تاریخ محمدی)، تحقیق عبدالحسین نوایی. (۱۳۵۷). تهران. بابک. صص ۳۶۷-۳۷۰.

۸. اسکندریبک ترکمان. همان. ص ۱۰۶.

۹. حسن‌بیک روملو. همان. صص ۳۶۷-۳۷۰

۱۰. اسکندریبک ترکمان. همان. صص ۱۰۶ تا ۱۱۰ و حسن‌بیک روملو همان. صص ۵۱۴ تا ۵۱۸.

۱۱. اسکندریبک ترکمان. همان ج ۲، ص ۵۸۰.

۱۲. اسکندریبک ترکمان. همان.

۱۳. اسکندریبک ترکمان. همان.

۱۴. سیاقی نظام. فتوحات همایون. با مقدمه عباس زریاب خوبی. بررسی‌های تاریخی. شماره ۴۴ و ۴۵. فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۲. صص ۵۷-۵۸

۱۵. سیاقی نظام. همان.

۱۶. رضاقلی خان هدایت. ج ۸، (مجلد ۱۲)، ص ۶۷۲۳، اسکندریبک ترکمان. ج ۲. همان. ص ۵۸۳.

۱۷. تاریخ عباسی
۱۸. تاریخ عباسی
۱۹. سیاقی نظام. همان صص ۵۸ و ۵۹.
۲۰. رضاقلی خان هدایت. همان. صص ۶۷۲۳. اسکندریک ترکمان. ج ۲. همان صص ۵۸۳. و سیاقی نظام. همان. صص ۵۸
۲۱. ساروی، محمد فتح‌الله بن محمدتقی. احسن التواریخ (تاریخ محمدی). (اول، ۱۳۷۱). تهران. امیر کبیر. صص ۲۵.
۲۲. رستم‌الحکما، محمدهاشم آصف. رستم‌التواریخ، تصحیح میترا مهرآبادی. (اول، ۱۳۸۲). تهران. دنیای کتاب. صص ۲۷۹.
۲۳. لسان‌الملک‌سیهر، محمدتقی. ناسخ‌التواریخ، تاریخ قاجاریه، ج ۱. به اهتمام جمشید کیوانفر، (اول، ۱۳۷۷). تهران. اساطیر. صص ۹ و ۱۰.
۲۴. قاضی، نعمت. ایل قاجار در پهنه تاریخ. (سوم، ۱۳۷۰). تهران. بی‌نا. صص ۵۷.
۲۵. بسطامی، محمداطهر. فتوحات فریدونیه (شرح جنگ‌های فریدون‌خان چرکس). تصحیح سیدسعید میرمحمدصادق و محمد نصیری مقدم. (۱۳۸۰). تهران. نقطه. صص ۳۶.
۲۶. قاضی، نعمت. همان. صص ۵۸.
۲۷. اعتمادالسلطنه، مرات‌البلدان. ج ۲، انتشارات دانشگاه تهران. تصحیح عبدالحسین نوایی. صص ۱۰۲۳.
۲۸. ابوت. گزارش سفر کنسول ابوت به سواحل بحر خزر. اسناد وزارت خارجه انگلستان. شماره ۱۳۶. صص ۸۳.
۲۹. ناتانیل کرزن، جورج. ایران و قضیه ایران. ج ۱. (پنجم، ۱۳۸۰). تهران. علمی و فرهنگی. صص ۲۵۱.
۳۰. بهلر، مسیو. جغرافیای رشت و مازندران، سفرنامه بهلر. ۱۳۵۶. تهران. نوین. صص ۵۵.
۳۱. عزالدوله و ملکونف. سفرنامه ایران و روسیه. به کوشش محمدگلین و فرامرز طالبی. (اول، ۱۳۶۳). تهران. دنیای کتاب. صص ۱۲۰ و ۱۲۷.
۳۲. گلزاری، مسعود. سفرنامه استرآباد، مازندران و گیلان. (۱۳۵۳). تهران. بنیاد فرهنگ ایران. صص ۵۰.
۳۳. ملگونف، گریگوری. کرانه‌های جنوب دریای خزر. ترجمه امیرهوشنگ امینی. (اول، ۱۳۷۶). تهران. کتاب‌سرا. صص ۱۴۴.
۳۴. صفایی، ابراهیم. یکصد سند تاریخی دوران قاجار، بی‌نا. تهران. بابک. صص ۱۳۵.
۳۵. صدیق‌الممالک، میرزا ابراهیم شیبانی. منتخب‌التواریخ. (۱۳۶۶). تهران. بی‌نا. صص ۱۳۹.
۳۶. مصطفی‌قلی‌خان. نبردهای آق‌قلعه. از محمد کشمیری. بررسی‌های تاریخی. شماره ۲۸. مهر و آبان ۱۳۴۹. صص ۹۹.
۳۷. اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. المآثر والأثار. چاپ سنگی شماره ثبت ۳۴۹۵۹ کتابخانه ملی ایران. تهران. کتابخانه سنایی. صص ۷۴.
۳۸. اعتمادالسلطنه. مرات‌البلدان. ج ۳. تصحیح عبدالحسین نوایی. بی‌نا. تهران. دانشگاه تهران. صص ۱۶۰۴.
۳۹. اصفهانیان، کریم. مجموعه اسناد و مدارک فرخ‌خان امین‌الدوله (جلد چهارم). انتشارات دانشگاه تهران. تهران. ۱۳۵۴. صص ۵۴.
۴۰. اصفهانیان، کریم. همان. صص ۵۷ و ۶۲.
۴۱. احمدی، محمودطاهر، تلگرافات عصر سپهسالار (خط تبریز ۹۶-۱۲۹۵). (۱۳۷۰). تهران. سازمان اسناد ملی. صص ۲۵۸.
۴۲. روزنامه ایران، نمره ۵۱۷، پانزدهم رجب، ۱۳۰۰، صص ۳.
۴۳. روزنامه ایران، نمره ۲۹۴، ۸ شعبان ۱۲۹۳، صص ۲ و نمره ۳۰۱، ۲۶ شوال ۱۲۹۳. صص ۲.
۴۴. ذبیحی، مسیح. گرگان نامه، (نخبه کامرانی). زیر نظر ایرج افشار. (اول، ۱۳۶۳). تهران. بابک. صص ۱۲۲.
۴۵. آلبوم‌خانه کاخ‌موزه گلستان. آلبوم شماره ۲۹۸، عکس‌های عبدالله‌میرزا قاجار، ۱۳۰۷. اق.
۴۶. چهل سال تاریخ ایران صص ۱۰۶.
۴۷. روزنامه ایران، نمره ۷۵۴ مورخ آخر محرم الحرام ۱۳۰۹ قمری، صص ۴.

۴۸. اعتمادالسلطنه. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. به کوشش ایراج افشار. (چاپ دوم، ۱۳۵۰). تهران، امیر کبیر. ص ۹۶۱.
۴۹. مرآت الوقایع مظفری ج ۱ ص ۲۹۸
۵۰. معصوم علیشاه (محمد معصوم شیرازی). طرائق الحقایق. ج ۳. تصحیح محمدجعفر محبوب. بی تا. تهران. کتابخانه سنایی. ص ۶۶۰.
۵۱. قورخانچی، محمدعلی. نخبه سیفیه. (اول، ۱۳۶۰). تهران. تاریخ ایران. ص ۱۸
۵۲. قورخانچی، محمدعلی. همان. صص ۵۳ و ۵۴.
۵۳. آلبوم خانه کاخ موزه گلستان. همان.
۵۴. رابینو. ه. ل. سفرنامه مازندران و استرآباد. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. (۱۳۳۶). تهران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ص ۱۱۹.
۵۵. افشار، ایرج و محمدرسول دریاگشت. مخابرات استرآباد گزارش های حسینقلی مقصدلو وکیل الدوله. ج ۱ بی تا تهران. تاریخ ایران. ص ۴۹.
۵۶. افشار، ایرج و محمدرسول دریاگشت. همان. صص ۲۵۲ و ۲۵۳.
۵۷. افشار، ایرج و محمدرسول دریاگشت. همان. صص ۴۳۵، ۵۰۶، ۵۰۷ و ..
۵۸. افشار، ایرج و محمدرسول دریاگشت. همان. (جلد دوم). ص ۵۲۸.
۵۹. افشار، ایرج و محمدرسول دریاگشت. همان. ص ۵۴۱.
۶۰. نصیری مقدم، محمدناصر. گزیده اسناد دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی اول. (اول، ۱۳۷۴). تهران. انتشارات وزارت خارجه. صص ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۱۰، ۲۱۲.
۶۱. مرکز تاریخ شفاهی موسسه فرهنگی میرداماد گرگان. مصاحبه با احمد توکلی متولد ۱۲۹۸ شمسی. مورخ ۱۴ اسفند ۱۳۹۱.
۶۲. سند شماره ۲۰۱۲۱۱۱۱۸ مرکز اسناد تاریخی میرداماد
۶۳. پهلوی، رضاشاه، سفرهای رضاشاه پهلوی به خوزستان و مازندران، به کوشش هارون وهومن. (اول، ۱۳۸۷). تهران، نشر کمال اندیشه. صص ۴۲۷ و ۴۲۸.
۶۴. شوقی، عباس. دشت گرگان. (۱۳۱۴). تهران. موسسه خاور. ص ۱۳.
۶۵. رزم آرا، علی. جغرافیای نظامی ایران - گرگان و دریای خزر، (۱۳۲۰). بی جا. بی تا. ص ۳۷.
۶۶. رزم آرا، علی. همان. ص ۱۲.
۶۷. معینی، اسد... جغرافیا و جغرافیای تاریخی گرگان و دشت. (اول، ۱۳۴۴). تهران، شرکت سهامی طبع کتاب. ص ۱۶۳.
۶۸. رزم آرا، علی. همان. ص ۱۲.
۶۹. مرکز اسناد نامه ۶۴۶ بخشداری پهلوی دژ مورخ ۱۳۳۲/۸/۲۶.
۷۰. مرکز اسناد نامه ۴۸۰۴۶ مورخ ۱۳۳۲/۱۰/۲.
۷۱. وخشوری، ابراهیم. گرگان و دشت در چهل سال اخیر، (۱۳۴۲). تهران. اکونومیست. ص ۱۰۰.
۷۲. سایت پایگاه اطلاعاتی نشریات مرکز آمار ایران. قابل دسترسی از: <http://amar.sci.org.ir>
۷۳. ایجاد تغییرات و اصلاحات تقسیماتی در استان گلستان، مصوبات هیأت دولت. سایت معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه قابل دسترسی از: <http://hvm.ir/lawdetailnews.asp?id=۳۰۲۴۹>
۷۴. مخلصی، محمدعلی. پل های تاریخی ایران. (اول، ۱۳۷۹). تهران. سازمان میراث فرهنگی کشور. ص ۲۲۸.
۷۵. مرکز تاریخ شفاهی موسسه فرهنگی میرداماد گرگان. مصاحبه با احمد توکلی. همان.